

مقدمه

قم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های علوم اسلامی و معارف دینی، از ظرفیت گسترده‌ای در عرصه پژوهش برخوردار است. حضور حوزه علمیه، گسترش مراکز تخصصی، شکل‌گیری پژوهشگاه‌ها و مؤسسات علمی، فعالیت گروه‌های پژوهشی و انتشار آثار علمی متعدد، این شهر را به یکی از مراکز اصلی تولید دانش دینی تبدیل کرده است. گستردگی این مجموعه‌ها، فرصتی ارزشمند برای تعمیق معارف اسلامی، پاسخ‌گویی به مسائل جدید و توسعه مطالعات دینی در عرصه‌های مختلف فراهم آورده است. در کنار این ظرفیت، ضرورت توجه به نحوه سامان‌دهی فعالیت‌های پژوهشی نیز بیش از گذشته احساس می‌شود. افزایش شمار مراکز، گروه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی، هنگامی به ارتقای واقعی دانش منجر خواهد شد که با تقسیم کار روشن، هماهنگی علمی و استفاده مشترک از امکانات همراه باشد. در غیر این صورت، ممکن است بخشی از توان علمی و منابع مالی و انسانی، به‌جای پرداختن به مسائل تازه و تولید یافته‌های جدید، صرف فعالیت‌های تکراری و نتایج مشابه شود.

تصویری کلی از ظرفیت پژوهشی قم
مراکز پژوهشی قم را می‌توان مجموعه‌ای متنوع از نهادهای علمی دانست که در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، مطالعات دینی و مسائل مرتبط با جامعه فعالیت می‌کنند. بخشی از این ظرفیت به پژوهش‌های بنیادی در

***افزایش شمار مراکز، گروه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی، هنگامی به ارتقای واقعی دانش منجر خواهد شد که با تقسیم کار روشن، هماهنگی علمی و استفاده مشترک از امکانات همراه باشد**

فقه، اصول، تفسیر، حدیث، فلسفه، کلام، اخلاق و تاریخ اسلام اختصاص دارد. بخشی دیگر، مطالعات میان‌رشته‌ای و نسبت دین با علوم انسانی، مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را دنبال می‌کند. در کنار اینها، گروه‌هایی به پژوهش‌های کاربردی، پاسخ‌گویی به مسائل و پرسش‌های جدید، تولید منابع مرجع، احیای میراث علمی و توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و پژوهشی می‌پردازند. این تنوع از چند جهت اهمیت دارد. نخست آنکه دانش دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای امروز، هم به پژوهش‌های عمیق و بنیادین نیازمند است. و هم به مطالعات نادر و مسائل واقعی جامعه. دوم آنکه بسیاری از موضوعات جدید، ماهیتی میان‌رشته‌ای دارند و بررسی آنها به همکاری متخصصان چند حوزه علمی نیازمند است. سوم آنکه توسعه پژوهش، توسعه دسترسی به منابع معتبر، اطلاعات سامان‌یافته و زیرساخت‌های مشترک، با افزایش هزینه و کاهش بهره‌وری همراه خواهد شد. ازاین‌رو، مجموعه پژوهشی قم را نباید صرفاً جمعی از مؤسسات مستقل و جدا از یکدیگر در نظر گرفت، بلکه باید آن را ظرفیتی علمی دانست که اجزای آن می‌توانند در یک چرخه مکمل، از تولید مبانی نظری تا

مقدمه

بیستم مهرماه در تقویم فرهنگی ایران به نام روز بزرگداشت خواجه حافظ شیرازی شناخته می‌شود، شاعری که سخش از مرزهای زمان و مکان گذشته و در حافظه تاریخی و فرهنگی ایرانیان جایگاهی ماندگار یافته است. حافظ تنها شاعری بزرگ در تاریخ زبان فارسی نیست، او نماینده سنتی ادبی است که در آن، قرآن، عرفان، اخلاق، حکمت و تجربه‌های پیچیده انسانی در زبان شعر جلوه‌گر شده‌اند. بزرگداشت او فرصتی است برای پاسداشت شعر و ادب فارسی و نیز تأمل در نسبت میان شعر، دین و دانش، نسبتی که در تاریخ فرهنگ ایرانی و اسلامی، به‌ویژه در سنت علمی حوزه‌های علمیه شیعه، سابقاتی درخو توجّه دارد.

گاهی چنین تصور می‌شود که حوزه‌های علمیه، به دلیل تمرکز بر فقه، اصول، تفسیر، حدیث و دیگر دانش‌های دینی، بیشتر با استدلال و مباحث علمی سروکار داشته‌اند و شعر و ادبیات و حاشیه فعالیت‌های آنها قرار داشته است. این تصور، اگر به معنای بگائنگی حوزه از شعر باشد، با واقعیت تاریخی سازگار نیست. نگاه‌به زندگی و آثار بسیاری از عالمان شیعیه نشان می‌دهد که آنان در کنار تحصیل، تدریس، تحقیق و تألیف، به شعر و ادب مأنوس بوده‌اند و برخی نیز دیوان‌ها و منظومه‌هایی از خود به یادگار گذاشته‌اند. البته نباید از این واقعیت نتیجه گرفت که همه عالمان دینی شاعر بوده‌اند یا شعر در تمام دوره‌های حوزه جایگاهی یکسان داشته است. سخن بر سر وجود سنتی دیرپا و معنادار است که در آن، دانش دینی و ذوق ادبی نهادننا ناسازگار نبوده‌اند، بلکه در مواردی یکدیگر را تکمیل کرده‌اند. برخی عالمان از شعر برای بیان تجربه‌های معنوی و عرفانی بهره برده‌اند، برخی اندیشه‌های اخلاقی و دینی خود را در قالب نظم عرضه کرده‌اند و برخی نیز از ظرفیت شعر برای آموزش و تامل دانش استفاده کرده‌اند.

عالمان شیعیه، از محراب علم تا خلوت شعر
یکی از چهره‌های برجسته این سنت، شیخ بهایی، عالم نامدار دوره صفویه است. او در فقه، حکمت، ریاضیات و دیگر دانش‌های زمان خود تبحر داشت و در عین حال، با زبان شعر و ادب نیز آشنا بود. آثار منثور و منظوم او نشان می‌دهد که شخصیت علمی وی را نمی‌توان به یک رشته خاص محدود کرد. در شعر منسوب و مندرج در آثار او، مضامین اخلاقی، عرفانی، معنوی و اجتماعی دیده می‌شود. شیخ بهایی نمونه‌ای از عالمی است که دانش گسترده و ذوق ادبی را در یک شخصیت علمی جمع کرده بود. ملا محسن فیض کاشانی، از دیگر عالمان بزرگ شیعه در قرن یازدهم هجری، نمونه‌ای روشن‌تر از پیوند میان دانش و شاعری است. او فقیه، محدث، مفسر، حکیم و نویسنده‌ای پرکار بود و آثار وی چون تفسیر صافی، الوافی و مفتاح‌ی الشرایع را پدید آورد.
باین حال، فعالیت علمی او به تألیف کتاب‌های تخصصی محدود نماند و دیوان شعر نیز از خود به یادگار گذاشت. اشعار فیض، در کنار مضامین عرفانی و اخلاقی، بازتابی از دغدغه‌های معنوی اوست. وجود دیوانی مستقل از سروده‌های او، نشان می‌دهد که شعر برای این عالم برجسته، صرفاً تفتنی گذرا نبوده است. در این میان، ملاهادی سبزواری جایگاهی ویژه دارد. او از حکیمان برجسته فلسفه اسلامی است و نامش بیش از همه با منظومه پیوند خورده است، اثری که مباحث مهم حکمت اسلامی را در قالب ابیات موزون تنظیم کرده و در سنت آموزش فلسفه جایگاهی شناخته‌شده یافته است. اهمیت کار سبزواری در این است که شعر در اثر او تنها وسیله بیان احساس یا ذوق ادبی نیست، بلکه به قالیی برای صورت‌بندی و آموزش مباحث پیچیده فلسفی تبدیل می‌شود. این نمونه به‌خوبی نشان می‌دهد که در

شناخت مسئله، از گردآوری داده تا تحلیل علمی و از تولید دانش تا کاربرد آن در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، نقش آفرینی کنند. با این حال، به دست آوردن تصویر دقیق از وضعیت موجود مستلزم بررسی جامع طرح‌های پژوهشی، محصولات علمی، ظرفیت‌های انسانی و زیرساخت‌های مراکز است. بدون چنین ارزیابی دقیقی، نمی‌توان درباره میزان واقعی موازی کاری یا سهم هر بخش از فعالیت‌های پژوهشی داوری قطعی کرد. آنچه در وهله نخست اهمیت دارد، ضرورت توجه به هماهنگی و مدیریت هوشمندانه این ظرفیت گسترده است.

ضرورت هم‌افزایی در پژوهش دینی
هم‌افزایی علمی به معنای آن است که مراکز پژوهشی، ضمن حفظ استقلال و هویت تخصصی خود، فعالیت‌هایشان را به‌گونه‌ای سامان دهند که نتایج پژوهش یک مرکز، زمینه‌ساز و تکمیل‌کننده کار مرکز دیگر باشد. در چنین الگویی، هر مجموعه به‌جای آنکه همه مراحل یک پژوهش را به‌صورت مستقل و جداگانه دنبال کند، از توانمندی‌های موجود بهره می‌گیرد و در زمینه تخصصی خود ارزش افزوده ایجاد می‌کند. برای مثال، در بررسی یک مسئله اجتماعی با ابعاد دینی، می‌توان از ظرفیت پژوهش‌های بنیادی برای تبیین مبانی، از مطالعات اجتماعی برای شناخت دقیق مسئله، از تحقیقات میان‌رشته‌ای برای تحلیل ابعاد مختلف و از پژوهش‌های کاربردی برای ارائه راهکار استفاده کرد. نتیجه این همکاری، محصولی جامع‌تر و معتبرتر از مجموعه‌ای از مطالعات پراکنده و فاقد ارتباط خواهد بود.

هم‌افزایی، همچنین امکان استفاده بهتر از نیروی انسانی متخصص را فراهم می‌کند. پژوهشگران برجسته، منابع کتابخانه‌ای، داده‌های علمی، تجربه‌های پژوهشی و امکانات فنی، سرمایه‌های محدودی نیستند که هر مرکز ناگزیر باشد همه آنها را به‌طور مستقل فراهم کند. شبکه‌سازی علمی و ایجاد سازوکارهای همکاری می‌تواند دسترسی به این سرمایه‌ها را افزایش دهد و از صرف هزینه‌های غیرضروری جلوگیری کند. آرزوی دیگر، همکاری میان مراکز زمینه نقد متقابل، تبادل تجربه، ارتقای روش تحقیق و افزایش اعتبار نتایج را فراهم می‌سازد. پژوهش دینی، مانند هر عرصه علمی دیگر، از گفت‌وگو، ارزیابی انتقادی و مواجهه دیدگاه‌های مختلف سود می‌برد. بنابراین، هم‌افزایی نباید صرفاً به هماهنگی اداری محدود شود، بلکه باید به شکل‌گیری ارتباطی واقعی میان پژوهشگران و برنامه‌های علمی بینجامد.

دوباره‌کاری و موازی کاری، مسئله‌ای فراتر از تشابه موضوعات
یکی از آسیب‌های احتمالی در نظام‌های پژوهشی گسترده، انجام فعالیت‌هایی است که بدون ضرورت علمی، از نظر مسئله، روش، داده‌ها و نتایج با پژوهش‌های پیشین یا طرح‌های هم‌زمان شباهت زیادی دارند. در چنین شرایطی، منابع انسانی و مالی به‌جای گسترش مرزهای دانش، صرف بازتولید یافته‌هایی می‌شوند که پیش‌تر به دست آمده‌اند یا می‌توان با همکاری میان مراکز، آنها را با هزینه‌ای کمتر و کیفیتیی بالاتر تولید کرد.
باین‌حال، باید میان اشتراک موضوعی و دوباره‌کاری تمایز گذاشت. اینکه چند مرکز درباره

راهکارهای تقویت هماهنگی و جلوگیری از اتلاف منابع
نخستین گام، تهیه تصویری جامع و به‌روز از ظرفیت پژوهشی قم است. این تصویر باید حوزه‌های تخصصی، طرح‌های درحال اجرا و خاتمه‌یافته، محصولات علمی، منابع اطلاعاتی و توانمندی‌های انسانی را دربرگیرد. چنین شناختی، امکان تشخیص خلأهای پژوهشی و شناسایی حوزه‌هایی را فراهم می‌کند که به همکاری بیشتر یا تقسیم کار روشن‌تر نیاز دارند. گام دوم، ایجاد سازوکاری مشترک برای ثبت و معرفی طرح‌های پژوهشی است. اگر مراکز پیش از تصویب طرح‌های جدید بتوانند به اطلاعات و تجربیات یکدیگر دسترسی داشته باشند، احتمال تکرار غیرضروری کاهش می‌یابد. در این فرایند، هر طرح باید براساس مسئله، پرسش، روش، داده‌ها و دستاورد مورد انتظار بررسی شود، نه صرفاً بر مبنای عنوان آن.

گام سوم، تدوین اولویت‌های مشترک پژوهش دینی است. مراکز می‌توانند با مشارکت یکدیگر، مسائل مهم و مغفول را شناسایی کنند و بخشی از ظرفیت خود را به طرح‌های مشترک اختصاص دهند. این اولویت‌ها باید هم پژوهش‌های بنیادین و بلندمدت را پوشش دهند و هم نیازهای فوری‌تر علمی، فرهنگی و اجتماعی را در نظر بگیرند. گام چهارم، تقویت همکاری در زیرساخت‌ها و منابع پژوهشی است. استفاده مشترک از کتابخانه‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی، منابع دیجیتال، داده‌های پژوهشی، و امکانات فنی، می‌تواند از ایجاد ساختارهای مشابه و پرهزینه جلوگیری کند. البته این همکاری باید با رعایت حقوق علمی، مالکیت فکری، ضوابط دسترسی و استقلال مؤسسات انجام گیرد.

گام پنجم، ارزیابی طرح‌ها براساس میزان نوآوری و ارزش افزوده علمی است. پیش از تخصیص منابع به هر پروژه، باید روشن شود که طرح چه خلأیی را پر می‌کند، چه تفاوتی با تحقیقات قبلی دارد، چه نتیجه تازه‌ای به دست می‌دهد و چگونه می‌توان از دستاورد آن بهره برد. پس از پایان پژوهش نیز ارزیابی نتایج باید فراتر از شمار صفحات، کتاب‌ها یا مقالات باشد و کیفیت علمی و میزان استفاده از یافته‌ها را دربرگیرد. در نهایت، شکل‌گیری یک سازوکار هماهنگی میان مراکز پژوهشی قم می‌تواند این اقدامات را به برنامه‌ای پایدار تبدیل کند. چنین سازوکاری باید با مشارکت نهادهای علمی، مأموریتی روشن و ساختاری چابک شکل گیرد و به‌جای افزودن تشکیلات اداری جدید، بر تسهیل همکاری، تبادل اطلاعات و رفع موانع مشترک متمرکز باشد.

***اگر مراکز علمی بتوانند از تجربه و دستاوردهای یکدیگر استفاده کنند، از تکرارهای غیر ضروری بپرهیزند و در عین تنوع، در مسیر اهداف مشترک حرکت کنند، تعدد آنها نه منشأ پراکندگی، بلکه زمینه‌ساز غنای پژوهش دینی خواهد شد**

پیامد چنین وضعیتی تنها اتلاف بودجه نیست. پراکندگی توان پژوهشی، کاهش فرصت پرداختن به مسائل مغفول، تکرار فعالیت‌های اجرایی، دشوارشدن دسترسی به نتایج معتبر و شکل‌گیری فعالیت‌های کمترنیز از پیامدهای احتمالی آن است. در نتیجه، پرهیز از موازی‌کاری باید بخشی از سیاست ارتقای کیفیت پژوهش دینی باشد، نه صرفاً اقدامی برای کاهش هزینه‌ها.

شعر در حوزه و علمای شاعر

از بزرگداشت حافظ تا بازخوانی پیوند دیرینه علم و ادب

سنت علمی شیعه، نظم گاه می‌توانسته است در خدمت انتقال دقیق مفاهیم نظری قرار گیرد. در میان چهره‌های پیشین، فردی آنان یاد کرد، اما پیوند شعر با سنت حوزوی به این جنبه محدود نمی‌شود. یکی از نکات مهم و کمتر مورد توجه عموم، نقش شعر در آموزش علوم اسلامی و عقلی است. در تاریخ آموزش اسلامی، منظومه‌سازی یکی از شیوه‌های شناخته‌شده برای تنظیم، حفظ و انتقال مطالب علمی بوده است، شیوه‌ای که به‌ویژه در دانش‌هایی با قواعد و تقسیم‌بندی‌های متعدد، کارکرد آموزشی قابل توجهی داشته است. از نمونه‌های مشهور این سنت، الفیه ابن مالک در علم نحو است. این اثر، قواعد زبان عربی را در قالب ابیات در نظم عرضه می‌کند و در طول تاریخ در آموزش زبان عربی و علوم مرتبط با آن مورد استفاده قرار گرفته است. تنظیم مطالب در قالب شعر، به فراگیران کمک می‌کند ساختار قواعد را به خاطر بیاورند و در هنگام مطالعه و احسنه، آسان‌تر به آنها مراجعه کنند. نمونه دیگر، همان‌گونه که اشاره شد، منظومه ملاهادی سبزواری است که مباحث فلسفی را به نظم درآورده است. این اثر صرفاً

سنت علمی شیعه، نظم گاه می‌توانسته است در خدمت انتقال دقیق مفاهیم نظری قرار گیرد. در میان چهره‌های پیشین، فردی آنان یاد کرد، اما پیوند شعر با سنت حوزوی به این جنبه محدود نمی‌شود. یکی از نکات مهم و کمتر مورد توجه عموم، نقش شعر در آموزش علوم اسلامی و عقلی است. در تاریخ آموزش اسلامی، منظومه‌سازی یکی از شیوه‌های شناخته‌شده برای تنظیم، حفظ و انتقال مطالب علمی بوده است، شیوه‌ای که به‌ویژه در دانش‌هایی با قواعد و تقسیم‌بندی‌های متعدد، کارکرد آموزشی قابل توجهی داشته است. از نمونه‌های مشهور این سنت، الفیه ابن مالک در علم نحو است. این اثر، قواعد زبان عربی را در قالب ابیات در نظم عرضه می‌کند و در طول تاریخ در آموزش زبان عربی و علوم مرتبط با آن مورد استفاده قرار گرفته است. تنظیم مطالب در قالب شعر، به فراگیران کمک می‌کند ساختار قواعد را به خاطر بیاورند و در هنگام مطالعه و احسنه، آسان‌تر به آنها مراجعه کنند. نمونه دیگر، همان‌گونه که اشاره شد، منظومه ملاهادی سبزواری است که مباحث فلسفی را به نظم درآورده است. این اثر صرفاً

و در برخی سروده‌های او محبت اهل‌بیت(ع) نیز بازتاب یافته است. او نمونه‌ای از پیوند میان حکمت، ادب و گرایش‌های دینی در فرهنگ ایرانی – اسلامی است. در روزگار معاصر نیز امام‌خمینی در کنار جایگاه فقهی، فلسفی، عرفانی و سیاسی خود، اشعاری به یادگار گذاشته است. غزل‌ها، رباعی‌ها و دیگر سروده‌های او، به‌ویژه در حوزه عرفان و مضامین معنوی، جلوه‌ای از وجه ادبی شخصیت او را نشان می‌دهند. در این اشعار، مفاهیمی چون عشق، معرفت، خودشناسی، راه‌ای از تعلقات و نسبت انسان با حقیقت، مجال بیانی متفاوت از زبان استدلالی و فقهی می‌یابد. آشنایی او با شعر فارسی و تأثیرپذیری ادبی وی از سنت شاعران بزرگ، از جمله حافظ، موضوع بررسی‌های ادبی نیز بوده است.

مجموعه‌ای از سروده‌های ادبی نیست، بلکه متنی علمی است که فهم آن به آشنایی با اصلاحات و مبانی حکمت اسلامی نیاز دارد. شرح‌ها و حاشیه‌های نوشته‌شده بر آن نیز نشان می‌دهند که نظم فلسفی می‌تواند نقطه آغاز یک سنت گسترده آموزشی و پژوهشی باشد. در کنار این آثار، منظومه‌های آموزشی دیگری نیز در سنت علوم اسلامی پدید آمده‌اند که برخی برای آموزش مقدمات زبان و دانش‌های ادبی و برخی برای عرضه مباحث تخصصی‌تر به کار رفته‌اند. البته همه این آثار به یک اندازه در برنامه‌های درسی حوزه‌های شیعه حضور نداشته‌اند و جایگاه هرکدام، بسته به دوره تاریخی و نظام آموزشی متفاوت بوده است.

چرا شعر می‌تواند در آموزش علم مؤثر باشد؟ وزن و قافیه، به سازمان‌دهی مطالب و تقویت حافظه کمک می‌کنند، نظم ابیات، توالی مفاهیم را روشن‌تر می‌سازد و متن منظوم، امکان مرور و بازخوانی سریع را افزایش می‌دهد. به همین دلیل، در

***در روزگار معاصر نیز امام‌خمینی در کنار جایگاه فقهی، فلسفی، عرفانی و سیاسی خود، اشعاری به یادگار گذاشته است. غزل‌ها، رباعی‌ها و دیگر سروده‌های او، به‌ویژه در حوزه عرفان و مضامین معنوی، جلوه‌ای از وجه ادبی شخصیت او را نشان می‌دهند**

در فرهنگ اسلامی الزاماً شخصیتی تک‌ساختی نبوده است. عالمی که در مقام تدریس به برهان و استدلال تکیه می‌کند، می‌تواند در مقام بیان تجربه‌های عرفانی و تأملات اخلاقی، زبان شعر را برگزید، زیرا هر ساخت از اندیشه و تجربه انسانی، ظرفیت بیانی خاص خود را می‌طلبد.

حفظ استقلال علمی در کنار تقسیم کار
ضرورت هم‌افزایی نباید به ایجاد انحصار علمی یا محدودکردن آزادی پژوهش منجر شود. تنوع دیدگاه‌ها، استقلال مراکز و امکان بررسی انتقادی مسائل از ضرورت‌های پویایی علمی است. ازاین‌رو، تقسیم کار مطلوب باید بر مزیت‌های تخصصی، نیازهای واقعی و توافق علمی استوار باشد و امکان بازنگری در آن نیز وجود داشته باشد. همچنین نباید هر پژوهش مشابهی را فعالیتی زائد تلقی کرد. در برخی حوزه‌ها، تعدد تحقیقات می‌تواند موجب مقایسه روش‌ها، تکمیل داده‌ها و تقویت اعتبار نتایج شود. ملاک اصلی باید این باشد که آیا پژوهش جدید ضرورت علمی مشخصی دارد و آیا نسبت آن با دستاوردهای قبلی به‌روشنی تبیین شده است.

هدف از هماهنگی، کاهش تعداد پژوهش‌ها به هر قیمت نیست، بلکه جلوگیری از مصرف منابع در فعالیت‌هایی است که ارزش افزوده متناسبی ندارند. منابعی که از این طریق آزاد می‌شوند، می‌توانند به مسائل کمتر بررسی‌شده، طرح‌های بنیادی بلندمدت، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تربیت پژوهشگران توانمند اختصاص یابند.

نتیجه‌گیری

ظرفیت پژوهشی قم، سرمایه‌ای ارزشمند برای توسعه علوم اسلامی و پاسخ‌گویی به مسائل فکری، فرهنگی و اجتماعی است. بهره‌برداری شایسته از این سرمایه، مستلزم آن است که مراکز پژوهشی در عین حفظ هویت و استقلال علمی، از فعالیت‌های جزیره‌ای فاصله بگیرند و همکاری و

***شکل‌گیری یک سازوکار هماهنگی میان مراکز پژوهشی قم می‌تواند اقدامات پژوهشی را به برنامه‌ای پایدار تبدیل کند**

تقسیم کار را به بخشی از منطق برنامه‌ریزی خود تبدیل کنند. پرهیز از دوباره‌کاری، پیش از هر چیز به شناخت دقیق فعالیت‌های موجود، دسترسی به اطلاعات پژوهشی، توجه به نتایج پیشین و تعریف روشن مسئله‌های جدید نیاز دارد. پس از آن، اولویت‌بندی نیازهای علمی، اجرای طرح‌های مشترک، اشتراک‌گذاری زیرساخت‌ها و ارزیابی دستاوردها، می‌تواند زمینه استفاده مؤثرتر از منابع را فراهم سازد.

در این مسیر، موفقیت را نباید صرفاً با افزایش تعداد مراکز، طرح‌ها یا انتشارات سنجید، بلکه باید دید چه میزان دانش تازه تولید شده، چه مسائل مهمی پاسخ گرفته‌اند، چه ظرفیت‌های به‌صورت مشترک به کار افتاده‌اند و چه مقدار از توان علمی از فعالیت‌های تکراری به سوی نیازهای واقعی هدایت شده است. قم هم برای تقویت جایگاه علمی خود، پیش از گسترش بی‌برنامه ساختارها، به هم‌افزایی بدهد، تقسیم‌کار هوشمندانه و بهره‌وری پژوهشی نیاز دارد. اگر مراکز علمی بتوانند از تجربه و دستاوردهای یکدیگر استفاده کنند، از تجربه و دستاوردهای بهره‌یزند و در عین تنوع، در مسیر اهداف مشترک حرکت کنند، تعدد آنها نه منشأ پراکندگی، بلکه زمینه‌ساز غنای علمی و افزایش اثرگذاری پژوهش دینی خواهد شد.

سنت آموزشی قدیم، بخشی از دانش نه فقط در قالب کتاب‌های منثور، بلکه در قالب متون منظوم نیز انتقال می‌یافت. البته منظوم‌بودن یک متن، جایگزین فهم و استدلال نیست. دانش‌پژوه برای فهم یک منظومه فلسفی یا ادبی همچنان به شرح، تحلیل، ربا عشق و آزادی درونی، میراثی تنید آورده است. است که به حفظ چارچوب مطالب و تثبیت مفاهیم کمک می‌کند، نه اینکه پیچیدگی دانش را از میان ببرد. از این منظر، شعر در تاریخ حوزه‌های علمیه دست‌کم سه کارکرد داشته است. نخست، عرصه‌ای برای اوق و خلافت‌ای ادبی عالمان، دوم، زبانی برای بیان معارف اخلاقی، عرفانی و دینی، و سوم، ابزاری برای آموزش و انتقال دانش. این سه کارکرد، نسبت شعر و حوزه را از یک علاقه شخصی فراتر می‌برد و آن را به بخشی از تاریخ فرهنگی و آموزش جهان اسلام تبدیل می‌کند.

حافظ و پیوند شعر با فرهنگ دینی
بزرگداشت حافظ، فرصتی مناسب برای بازاندیشی در جایگاه شعر در فرهنگ ایرانی – اسلامی است. حافظ با بهره‌گیری از زبان قرآن، اشارات عرفانی، مضامین اخلاقی و پرسش‌های عمیق درباره حقیقت، ربا عشق و آزادی درونی، میراثی تنید آورده است. می‌تواند با آن گفت‌وگو کنند. البته نباید شعر حافظ را به یک تفسیر یا قرانت خاص دینی محدود کرد، غنای شعر او دقیقاً در چندلایگی معنا و امکان تأویل‌های گوناگون است. باین‌حال، حضور پررنگ مرگان و اشارات قرآنی و عرفانی در دیوان او، یکی از زمینه‌های مهم ارتباط شعر حافظ با سنت‌های دینی و فکری ایران بوده است. در همین چارچوب، توجه به عالمان شاعر نیز فرصتی برای بازشناسی ظرفیت‌های ادبی حوزه‌های علمیه است. این توجه می‌تواند نشان دهد که زبان دین تنها زبان درس و بحث تخصصی نیست، گاهی شعر، با قدرت تصویرسازی و تأثیر عاطفی خود، مفاهیم اخلاقی و معنوی را به شکلی دیگر به مخاطب منتقل می‌کند. آنچه در زبان استدلال به صورت تعریف و برهان عرضه می‌شود، ممکن است در شعر به تجربه‌ای انسانی و ماندگار تبدیل شود.

ضرورت توجه امروز حوزه به شعر و ادب
در روزگار ما که زبان ارتباطات عمومی، رسانه‌ها و فرهنگ دیجیتال با سرعت در حال تغییر است، توجه به شعر و ادبیات می‌تواند برای حوزه‌های علمیه اهمیت تازه‌ای پیدا کند. آشنایی با ادب و میراث ادبی ایران، از فردوسی و سعدی تا حافظ و مولوی، علاوه بر تقویت زبان فارسی، زمینه شناخت بهتر تاریخ اندیشه و فرهنگ جامعه را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، تشویق استعدادهای ادبی در میان طلاب، برگزاری نشست‌های نقد شعر، آشنایی با عروض و فنون ادبی و معرفی آثار عالمان شاعر می‌تواند به گسترش ارتباط میان حوزه و جامعه فرهنگی کمک کند. چنین رویکردی به معنای جایگزین کردن شعر به‌جای پژوهش تخصصی یا آموزش متون دینی نیست، بلکه هدف، بهره‌گیری از ظرفیتی فرهنگی است که در کنار دانش، می‌تواند به پرورش زبان، تخلیل، حساسیت اخلاقی و قدرت ارتباطی کمک کند. همچنین بازخوانی منظومه‌های علمی و آموزشی گذشته می‌تواند زمینه‌ای برای بررسی دوباره روش‌های انتقال دانش باشد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که آموزش تنها به محتوای علمی وابسته نیست، قالب بیان و شیوه یادگیری نیز اهمیت دارد. البته استفاده از میراث از شعر آموزشی باید متناسب با نیازهای علمی و روش‌های جدید آموزش باشد و نمی‌توان صرفاً به دلیل قدمت یک روش، آن را برای همه موقعیت‌ها مناسب دانست.

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵ - شماره ۱۳۴۷۳ - سال چهل و هشتم

آیت‌الله سیداسماعیل صدر، مجاهدی ناشناخته



آیت‌الله سیداسماعیل صدر (۱۲۵۸–۱۳۳۸ق) از مراجع تقلید قرن چهاردهم قمری و سرسلسله خاندان صدر است. تحصیلات خود را در اصفهان و نجف و سامرا گذراند و از شاگردان میرزای شیرازی بود. در برابر تهاجمات روسیه، انگلیس و ایتالیا به ممالک اسلامی به همراه دیگر علمای نجف، فتوای جهاد صادر کرد.

زندگی‌نامه

سیداسماعیل بن سید صدرالدین، نسبش به ابراهیم اصغر بن امام موسی بن جعفر می‌رسد. پدرش از اهالی جبل عامل بود که در فتنه جَزّار به عراق و سپس به اصفهان مهاجرت کرده بود. آیت‌الله سیدمحسن اصفهان در اعیان الشیعه او را این گونه معرفی کرده است: موسوی، عاملی، اصفهانی، کاظمی معروف به سید اسماعیل صدر. سید اسماعیل در سال ۱۲۵۸ق در اصفهان به دنیا آمد. در شش سالگی پدرش فوت کرد و پس از آن برادرش سید محمدعلی، معروف به آقامجتهد، سرپرستی او را به عهده گرفت. ادبیات عربی و بخشی از اصول و فقه را از نزد او خواند. در چهارده سالگی پس از فوت برادر، نزد محمدباقر رازی اصفهانی فرزند صاحب هدایة المسترشدين درس فقه را تکمیل کرد. در ۱۲۸۱ق به قصد شرکت در درس شیخ انصاری عازم نجف شد، اما پیش از رسیدن او به نجف شیخ انصاری درگذشت. در نجف در درس آیات شیخ راضی نجفی و مهدی کاشف الغطاء حاضر شد. پس از سفر حج در ۱۲۸۲ق بیمار شد و برای بهبودی به اصفهان بازگشت. در اصفهان مورد احترام قرار گرفت، اما در ۱۲۹۴ق به پنهان بازید از روستایی، از اصفهان خارج شد و برای ادامه فعالیت علمی به عراق بازگشت. او در سال ۱۳۰۰ق به خراسان سفر کرد و سپس به عتبات بازگشت. پس از وفات شیخ موسی آل شراره در جبل‌عامل، اهالی آنجا از او دعوت کردند که جبل عامل برسد اما او نپذیرفت. حدود بیست سال در فقه و اصول از میرزای شیرازی در نجف و سامرا بهره برد. آیات سید اسماعیل صدر، محدثقی شیرازی و سید محمد فشارکی به شاکردی بودند که میرزای شیرازی در ده سال آخر عمرش تدریس را به آنان واگذاره بود. او تا ۱۳۱۴ق، دو سال پس از وفات میرزای شیرازی، در سامرا ماند. سپس به کربلا رفت و در آنجا شروع به تدریس کرد. گروهی از شیعیان ایران و عراق از او تقلید می‌کردند. در اواخر عمر به کاظمین رفت و در ۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش وفات یافت. در نقلی تاریخ وفات او سه شنبه ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۸ق/۱۲۹۹ش است. او در یکی از حجرات پایین پای حرم کاظمین دفن شد. جهت معروف شدن وی و خاندانش به صدر این است که میرزای شیرازی دو شاگرد به نام سید اسماعیل داشت و به خاطر تشابه اسمی، پسوند صدر را به خاطر نام پدر «سید صدرالدین» به نام او اضافه کرد. سید اسماعیل صدر را از راهبان و پرهیزگاران دانسته‌اند. به گفته سیدمحسن امین خوش اخلاق، پرهیزگار، متواضع، گریزان از شهرت بود. به تنهایی راه می‌رفت و دوست نداشت کسی همراهش باشد. در فتوا بسیار محتاط بود.

آیت‌الله سیداسماعیل صدر چهار پسر داشت که همه‌ی کار علما بودند. سید محمدمهدی، از شاگردان آخوند خراسانی و آقا رضا همدانی، سید صدرالدین، از فقها و از مراجع ثلاث تقلید شیعه پس از حاج شیخ عبدالکریم حائری و متخصص در اصول، رجال، شعر و تفسیر، سید محمود، از شاگردان درس آقا ضیاء عراقی، سید حسین فشارکی و ابوالحسن طالقانی، سید حیدر، از شاگردان آیات محدسین فشارکی و عبدالکریم حائری یزدی.

فعالیت سیاسی-اجتماعی

حمایت از شرکت اسلامییه اصفهان. شرکت اسلامییه اصفهان در ۱۳۱۶ق با هدف تأمین منسوجات مورد نیاز مردم ایران و مقابله با وابستگی تأسیس شد. محدثقی آقا نجفی اصفهانی و برادرش آقا نورالله نجفی اصفهانی از مؤسسين این شرکت بودند. علماء در حمایت از این شرکت و ترغیب مردم به محصولات داخلی، بیانیه‌هایی صادر کردند. آخوند خراسانی، سیداسماعیل صدر، میرزا حسین نوری، حاج میرزا خلیل، سید محمد کاظم یزدی، محمد غروی شیرینی، محمدحسین مقافتی و شیخ‌الشریعه اصفهانی پشتیبانی خود را از ایجاد این شرکت اعلام کردند. فتوای جهاد علیه روسیه. در هنگام حمله روسیه به ایران، تلگرافی در تاریخ ۲۲ صفر ۱۳۳۰ق از طرف سید اسماعیل صدر، محدثقی شیرازی و شیخ عبدالله مازندرانی به بلاد ایران مخابره شد با این مضمون که «... عشایر و ایلات مملکت که قوای دفاعیه دولت و ملت است... دلت اسارت در چنگال اجانب و به روز سياه خوانين قفقاز و ترکستان و غیرهم نشستن را بر خود روا نندارند».

فتوای جهاد علیه ایتالیا در حمله به لیبی، سیداسماعیل صدر به همراه آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی و شیخ الشریعه اصفهانی بیانیه‌ای صادر کردند و از مسلمین خواستند که به دفاع از ممالک اسلامی برخیزند:

«هجوم روس به ایران و ایتالیا به طرابلس موجب ذهاب اسلام و اضمحلال شریعت و قرآن است. بر عموم اسلامیان واجب است اجتماع نموده و از دولت متبوعه خود رفع تعذیات غیرقانونی روس و ایتالیا را جدا بخواهند. در تار ف این غائله عظمی نشودو آسایش و استقرار را بر خود حرام و این حرکت اسلام پرورانه را جهاد فی سبیل‌الله مثل مجاهدین بدر و حنین شناسند. متحد شد رای ما جمیعا برای حفظ حوزه راه اسلامیه بر سلطنت‌های غاصبی. متحد شد رای ما جمیعا برای حفظ حوزه راه اسلامیه بر زمین‌های عثمانی، اعلام جهاد داد.

فتوای جهاد علیه انگلیس در حمله به عراق. در آغاز جنگ جهانی اول در ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م که متفقین به دولت عثمانی اعلام جنگ دادند، وی نیز همانند دیگر علما و مراجع بزرگ عراق بر ضد تجاوزات متفقین به سرزمین‌های عثمانی، اعلام جهاد داد. آیت‌الله سیداسماعیل صدر همچنین از جمله عالمانی است که فتوا در لزوم وحدت مسلمین صادر کرده و ابراز داشتند: «چون دیدیم که اختلاف فرقه‌های پنج کتانه مسلمین، اختلافاتی که مربوط به اصول دینانت نیست، موجب انحطاط دول اسلام و استیلاء اجانب شده، به جهت حفظ کلمه جامع دینیّه و دفاع از شریعت محمديه، فتوای متجهدين عظام که رؤسای شیعه جعفریه هستند با مجتهدین اهل سنت، اتفاق نموده بر وجوب تمسک به حبل اسلام. چنان که داخوند عزوجل در آیه شریفه فرموده: «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا» و اتفاق شد بر وجوب اتحاد تمام مسلمین در حفظ یبضه اسلام و نگهداری جمیع مملکت‌های اسلامی از عثمانی و ایرانی از نشیئات دول بیگانه و حمله‌های سلطنت‌های صلیبیه. متحد شد رای ما جمیعا برای حفظ حوزه راه اسلامیه بر این که تمام قوت و نفوذ خود را بر این خصوص مذبول داریم.»